

# طرح قانون اصول محاکمات جزائی

یا داد رسی در آن جریان دارد و تعیین دعوائی که بسمت مدعی خصوصی وارد آن میشود با دلائل آن ذکر شود و الا دادخواست رد میشود

ماده ۴۳ - دادخواست مدعی خصوصی و تقاضاهائیکه بعداً میکند باید قبل از داد رسی به متهم ابلاغ شود تقاضا هائیکه از طرف مدعی خصوصی بعد از جلب یا دخالت کسیکه حقوقاً مسئول است بعمل میاید باید باو نیز بهمین نحو ابلاغ شود

ماده ۴۴ - قراریکه بر رد سمت مدعی خصوصی از دادگاه جزائی صادر میشود مانع از رجوع بدادگاه حقوقی نیست

ماده ۴۵ - کسیکه سمت مدعی خصوصی اتخاذ کرده میتواند در هر حال از دعوای جزائی دادخواست خودرا استرداد کند.

ماده ۴۶ - حاضر نشدن مدعی خصوصی یا خارج شدنش از جلسه بهیچ حال مجوز تأخیر داد رسی نمیشود. اگر مدعی خصوصی که برای داد رسی بدوی دعوت شده بهرجهتی که باشد حاضر نشود یا جلسه را بدون اینکه در موقع قرائت اظهارات و تقاضاهای خودرا بکند ترک نماید دعوای خودرا توضیح ندهد قرار رد دادخواست او صادر میشود و این قرار قطعی است

ماده ۴۷ - مدعی خصوصی میتواند برای اثبات بزه و تعیین خساراتی که باو وارد شده دلیل اقامه کند

ماده ۴۸ - اگر زیان دیده نتواند بعلمت مرض دماغی یا صغر سن اتخاذ سمت مدعی خصوصی نموده و یا دعوی را تعقیب کند و نماینده هم نداشته باشد ممکن است دادستان تعقیب حقوقی را ضمن دعوای جزائی بعمل آورد.

ماده ۳۷ - هرگاه متهم پس از ارتکاب بزه مبتلا بر مرض دماغی شود که فهم یا اراده را از او سلب کند اگر مورد حکم منع تعقیب نباشد دادرس علاوه بر رعایت مقررات مواد ۲۰۳ و ۲۳۱ قرار میبندی بر توقیف تعقیب اوصادر میکند درین صورت اگر مورد داشته باشد امر بنگهداری او در تیمارستان یا یکی از بنگاههای امثال آن میدهد. دادرس میتواند برای اطمینان از وجود مرض بکارشناس رجوع نماید

همینکه مرض متهم رفع گردد به تعقیب ادامه داده میشود. ماده ۳۸ - متهمی را که تبرئه یا محکوم و یا قرار منع تعقیب او صادر شده دیگر نمیتوان برای همان عمل مورد تعقیب جزائی قرار داد حتی در صورتی هم که آن عمل با عنوان و درجه و کیفیات دیگری تطبیق شود مگر در موارد ماده ۱۴ و ۴۰۲

## مبحث پنجم - مدعی خصوصی

ماده ۳۹ - کسیکه حق تعقیب حقوقی در ضمن تعقیب جزائی دارد میتواند سمت مدعی خصوصی اتخاذ کند ماده ۴۰ - همینکه سمت مدعی خصوصی اتخاذ شد آثار آن در هر حال و مرحله رسیدگی باقی است.

اتخاذ سمت مدعی خصوصی در حکم شکایت نیست. ماده ۴۱ - اتخاذ سمت مدعی خصوصی در دادگاه جنحه تا قبل از دعوت متهم به داد رسی و در دیوان جنائی تا قبل از تشکیل جلسه مقدماتی ممکن است بعمل آید

ماده ۴۲ - اتخاذ سمت مدعی خصوصی باید بوسیله دادخواست کتبی باشد

در دادخواست باید نام و شهرت و سایر مشخصات مدعی خصوصی و انتخاب محل اقامت در جائیکه بازجوئی

ذکر شده و غیر از آنچه رسیدگی بآن بداد رس خلاف محول شده راجع بدادگاه جنحه است چنانچه در ضمن رسیدگی معلوم شود که بزه از درجه خلاف بوده دادگاه جنحه رسیدگی کرده حکم میدهد.

ماده ۵۶ - هرگاه وزیر بری در زمان وزارت متهم بارتکاب جنحه و یا جنایتی شود چه سیاسی باشد و چه غیر سیاسی در جلسه همگانی دیوان کشور دادرسی میشود.

ماده ۵۷ - رؤساء دادگاههای شهرستان و کارمندان آن در صورتیکه متهم بارتکاب جنحه شوند (در غیر بزه های مربوط بوظیفه) در دادگاه استان دادرسی میشوند و دادرسی رؤساء کارمندان دادگاه استان با دیوان کشور است.

ماده ۵۸ - عدم صلاحیت ذاتی در موارد ذیل در هر حالی از دادرسی اعلام میشود:

۱ - عدم صلاحیت دادگاه همگانی نسبت بکارهاییکه در حدود صلاحیت دادگاههای اختصاصی است.

۲ - عدم صلاحیت دادگاه یائین تر نسبت بکارهایی که در حدود صلاحیت دادگاه بالا تر است در صورت صدور قرار عدم صلاحیت دادرسی در مورد توقیف الزامی قرار توقیف متهم را میدهد و در سایر موارد میتواند بتوقیف متهم اقدام نماید.

ماده ۵۹ - هرگاه دادگاه استان دید که دادگاه جنحه باهری رسیدگی بدوی کرده که در حدود صلاحیت دادرسی خلافتی بوده با آنکه بر صلاحیت اوهم اعتراض شده نمیتواند حکم دادگاه جنحه را از جهت عدم صلاحیت فسخ کند و باید بترویش نموده و در ماهیت حکم بدهد.

در غیر این موارد هرگاه دادگاه استان دید دادگاه بدوی بجهتی از جهات صلاحیت ذاتی نداشته قرار مبنی برفسخ حکم بدوی و ارسال پرونده بدادسرا صادر میکند.

ماده ۶۰ - اگر دیوان کشور دید دادرسی که رأی داده صلاحیت ذاتی نداشته حکم را نقض کرده بدادسرا صالح ارجاع مینماید مگر اینکه دادرسی بالا تر باهریکه در حدود صلاحیت دادگاه یائین تر است رسیدگی نموده باشد.

حکم دیوان کشور در باب صلاحیت حتی راجع به توصیف

ماده ۴۹ - کسیکه حق اتخاذ سمت مدعی خصوصی دارد حتی در صورتیکه این سمت را ایجاد کرده باشد نمیتواند باین عذر از اداء گواهی استنکاف نماید.

### مبحث ششم مسئول حقوقی

ماده ۵۰ - کسیکه حقوقاً مسئول عمل متهم است ممکن است بتقاضای مدعی خصوصی بدعوی جزائی جلب گردد.

دادستان در مورد ماده ۴۸ میتواند تقاضای جلب کسی را که حقوقاً مسئول است بنماید.

ماده ۵۱ - در صورت تعقیب مدعی خصوصی و یاداسرا بر طبق ماده ۴۸ مسئول حقوقی میتواند تا اولین جلسه وارد دعوی شود.

ماده ۵۲ - ورود مسئول حقوقی در دعوی جزائی بوسیله دادخواست بعمل میآید این دادخواست باید مشتمل بر هویت دادخواست دهنده و محل اقامتی که از جهت ابلاغ برگها برای خود انتخاب میکند و موضوع دعوی و جهاتی که مجوز ورود اوست باشد و گرنه رد خواهد شد اگر ورود قبل از داد رسی باشد دادخواست باید کتباً بدفتر دادگاه جنائی یا جنحه تسلیم شود و دفتر آنرا بمدعی خصوصی ابلاغ مینماید در جلسه دادرسی درخواست بمنشی داده میشود و منشی آن را در صورت مجلس قید می نماید.

ماده ۵۳ - مسئول حقوقی نسبت بدفاع از منافع خود دارای همان حقوقی است که برای متهم مقرر است مگر در مواردیکه قانون برخلاف این حکم کرده باشد.

### فصل دوم

#### صلاحیت - احاله - رد دادرسی

#### مبحث اول صلاحیت

ماده ۵۴ - رسیدگی به بزه های جنائی در دیوان جنائی بعمل میاید و چنانچه در ضمن رسیدگی معلوم شود که بزه از درجه جنحه بوده دیوان جنائی بآن رسیدگی کرده حکم میدهد.

ماده ۵۵ - رسیدگی بزه های غیر از آنچه در ماده پیش

موضوع حکم مورد فرجام دارای اعتبار امور شده است بشرط آنکه بعد از دادرسی سابق کیفیات و آثار آنکه صلاحیت را تغییر دهد پیش نیامده باشد.

ماده ۶۱ - عدم رعایت قوانین راجع به صلاحیت ذاتی جیب بطلان اقداماتی که شده است نیست مگر آنکه صلاحیت رسیدگی را دارد تجدید آن ها را می‌تواند.

ماده ۶۲ - هرگاه کسی مرتکب بزه شود دادگاه محل کتیری یا محل وقوع بزه یا محل کشف آن یا محل اقامت برای رسیدگی صالح می‌باشد.

هرگاه مقام قضائی محل دستگیری یا محل وقوع بزه یا محل اقامت یا محل اقامت یا بعض آنها با هم به تعقیب اقدام نمایند اما قضائی محل دستگیری در درجه اول و محل وقوع بزه در درجه دوم و محل کشف در درجه سوم برای رسیدگی راجحان خواهند داشت مگر اینکه بنظر مقامی که در درجه اول صلاحیت دارد جهات و وجهی برای رسیدگی یکی از سه مقام دیگر صالح موجود باشد.

در این مورد مقام قضائی اقدامات لازمه را بعمل آورده نتیجه را بمقام قضائی صالح برای تعقیب اطلاع میدهد.

ماده ۶۳ - محل وقوع بزه با در نظر گرفتن مکانی که در آن بزه انجام یافته تعیین میشود.

اگر بزه مقصود انجام نیافته و فقط شروع شده محلی که آخرین عمل بغرض بزه در آنجا ارتکاب شده محل وقوع محسوب خواهد شد.

اگر بزه مستمر بوده محلی که در آنجا استمرار قطع شده محل وقوع شناخته میشود.

هرگاه بزه بوسیله چاپ برگی در داخله کشور واقع شود محلی که چاپ در آنجا بعمل آمده محل وقوع بزه محسوب خواهد شد و در مورد توهمین اگر تعقیب بزه توسط شکایت مدعی خصوصی باشد محل وقوع محلی است که برگ چاپی در آنجا منتشر شده مشروط بر اینکه شاکه در آنجا مقیم بوده باشد از بزه در کشتی ایران در خارجة ابردریای آزاد واقع شده بندر اقامتگاه کشتی باشد بریکه کشتی

پس از وقوع بزه با آنجا وارد میشود محل وقوع محسوب است. اگر محل وقوع بزه را بترتیب فوق نتوان معلوم نمود آخرین محلی که در آن قسمتی از بزه واقع شده محل وقوع محسوب است.

ماده ۶۴ - اگر قسمتی از بزه در قلمرو ایران و قسمتی از آن در خارج ارتکاب شده باشد در ایران به آن رسیدگی میشود.

در این مورد محلی که تمام یا قسمتی از بزه در آنجا واقع شده یا حادثه در آنجا تحقق یافته است محل وقوع محسوب میشود.

اگر عمل تماماً در قلمرو دیگری ارتکاب شده و باید در ایران رسیدگی شود صلاحیت مطابق ماده ۶۲ تعیین میشود و محل تسلیم در حکم محل دستگیری است.

دادگاه میتواند از برکهای تنظیم شده نزد مقامات خارجی برای تعقیب جزائی و اگر هم در ایران دادرسی نمیشود برای اعمال مقررات تأمین و برای استرداد عین مال و جبران خسارت استفاده کنند.

در تمام صور مذکور در قسمتهای پیش ضابطین دادگستری میتوانند اقداماتی را که برای جمع آوری و حفظ ادله بزه لازم است حتی در صورتیکه متهم در قلمرو ایران نباشد انجام دهند.

ماده ۶۵ - مقامی که متوجه عدم صلاحیت محلی خود میشود بموجب قراری پرونده را بمقامی که بر طبق قواعد مقرر در مواد سابقه دارای صلاحیت محلی است ارسال میدارد ولی باید عملیات فوئی بازجوئی را حتی بعد از صدور قرار عدم صلاحیت انجام دهد.

حکم قسمت ۲ ماده ۵۸ اعمال میشود.

ماده ۶۶ - هرگاه دادگاه استان دبدکه دادگاه شهرستان فاقد صلاحیت محلی بوده حکم بدوی را فسخ و رسیدگی مینماید هر چند صلاحیت محلی در مرحله بدوی با دادرسی باشد که تابع حوزه دادگاه استان دیگری است. در غیر مورد فوق اگر دیوان کشور دبد دادگاهی که حکم مورد فرجام را صادر کرده مطابق هیچیک از صور

ماده ۷۰ - برای تعقیب‌های مرتبط که چندین دادرس صلاحیت ذاتی دارند صلاحیت محلی با دادرسی است که در صورت اختلاف بزه‌ها در شدت و ضعف برای شدیدترین آنها و در صورت تساوی آنها در شدت و ضعف برای عمده‌ترین صلاحیت دارد

ماده ۷۱ - برای تعقیب‌های مرتبط که نسبت به آنها چندین دادرس صلاحیت ذاتی دارند اگر همه بزه‌ها در شدت و ضعف مساوی باشند و بشمارهای متساوی در حوزه‌های مختلف يك دادگاه استان واقع شده باشد صلاحیت محلی با دادرسی است که رئیس دادگاه استان تعیین نماید

در این صورت هر يك از دادسرا اسناد و مدارك مربوطه را با نظریه خود نزد رئیس دادگاه استان می‌فرستد و او بقوریت قرار می‌دهد بر تعیین دادرسی که رسیدگی بهمه بزه‌ها خواهد کرد صادر میکند با این حال اگر او بنا بر مقتضای تفکیک آنها را شایسته تر بداند هر قسمتی از آنها را بدادگاهی که صلاحیت محلی را دارد ارجاع میکند . - اگر بزه‌ها در حوزه چند دادگاه استان ارتکاب شده باشد رئیس دیوان کشور بهمین طریق رفتار میکند

هر گاه بزه‌های مرتبط در مرحله بدوی جدا جدا رسیدگی شده و پژوهش خواسته شده باشد دادرس درجه دوم که صلاحیت محلی دارد میتواند همه را جمع نموده بکمرته رسیدگی کند و يك حکم صادر نماید

### مبحث سوم - اختلاف در صلاحیت

ماده ۷۲ - در موارد زیر اختلاف در صلاحیت محقق است:

۱ - اگر يك یا چند دادرس عادی و يك یا چند دادرس اختصاصی رسیدگی بموضوع واحدی را قبول کنند یا از رسیدگی بآن امتناع نمایند

۲ - اگر دودادرس عادی یا بیشتر رسیدگی بموضوع واحدی را قبول کنند یا از آن امتناع کنند

ماده ۷۳ - اختلافات مذکوره در ماده قبل در دادگاه بالاتر در دو مورد ذیل طرح میشود:

الف - بواسطه شکایت اشخاصی که در امر شرکت دارند

ب - به تقاضای دادستان

مذکور در ماده ۶۲ و ۶۳ صلاحیت محلی نداشته حکم را نقض کرده و بدادگاه صالح ارجاع میکنند ولیکن مشروط بر اینکه ابراد عدم صلاحیت در ضمن رسیدگی ماهیتی بعمل آمده باشد حکم دیوان کشور راجع به صلاحیت محلی دارای اعتبار امور اثبات شده است

ماده ۶۷ - قرار عدم صلاحیت محلی باعث بطلان اعمال بازجوئی که انجام یافته نمیشود

### مبحث دوم - تعقیب‌های مرتبط بیکدیگر

ماده ۶۸ - در موارد زیر تعقیبات مرتبط بیکدیگرند:

۱ - در صورتیکه بزه‌های مورد تعقیب از چند نفر صادر شده که همه با هم مرتکب شده اند یا اگر در زمانها و مکانهای مختلف بوده همه باهم تبانی داشته‌اند یا از چند نفر صادر شده که بیکدیگر خسارتی وارد کرده‌اند

۲ - در صورتیکه بعضی از بزه‌های مورد تعقیب مقدمه بعضی دیگر بوده یا برای اخفاء بعضی دیگر یا بمناسبت بعضی دیگر ارتکاب شده یا آنکه غرض از ارتکاب بعضی از آنها تحصیل یا تأمین اجرت یا فایده برای مرتکب یا برای دیگری یا حصول ماندن او از مجازات بوده

۳ - در صورتیکه يك شخص متهم بچند بزه باشد

۴ - در صورتیکه دلیل بزه یا دلیل بعضی کیفیتش در دلیل بزه دیگر یا بعضی کیفیتش مؤثر بوده

ماده ۶۹ - اگر بعضی از تعقیب‌های مرتبط بهم

راجع بدیوانجنائی باشد و بعضی دیگر بدادگاه جنحه یا خلاف صلاحیت رسیدگی بهمه آنها با دادگاه جنائی است .

در غیر این مورد هر گاه رسیدگی یکی از بزه‌ها راجع بدادگاه جنحه باشد رسیدگی بهمه از صلاحیت آن دادگاه است .

اگر در ضمن بازجوئی راجع ببعض متهمین یا بعض بزه‌ها ظاهر شود که بازجوئی‌های دیگری ضرورت دارد که نمیتوان بسرعت انجام داد و جهاتی موجود باشد که قسمت دیگر را نتوان بتأخیر انداخت دادرس میتواند نسبت ببزه‌ها یا به اشخاصی که بازجوئی مربوط با آنها تکمیل شده رسیدگی و رأی داده و نسبت بسایرین بازجوئی را جریان دهد